جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۱.مقدمه

حمایت از حقوق مالکیت معنوی یک موضوع مهم در مذاکرات تجاری چند جانبه می باشد. مباحث فعلی در مورد حقوق مالکیت معنوی دارای دو وضعیت کاملاً متقاوت می باشد. برخی افراد از حقوق مالکیت معنوی بعنوان یک ابزر اثر بخش برای پیشرفت تکنولوژی و بعنوان یک تسهیل کنند. برای انتقال تکنولوژی برای کشورهای در حال توسعه حمایت می کنند. برخی افراد دیگر یک دید گاه کاملاً متفاوت دارند و حقوق مالکیت معنوی را بعنون تنها عامل دفاع کننده از منافع کشور های پیشرفته در نظر گیرند. برای مثال برخی از اقتصاد دانان اظهار می کنند که رژیم حقوق مالکیت معنوی بین المللی فعلی قواعد جهانی بازیهای بین المللی را به نفع کشورهای توسعه یافته تغییر داده است و ایجاد منافع بلند مدت برای کشورهای درحال توسعه بخصوص کشورهای فقیر از جانی جنبه های تجاری حقوق مالکیت معنوی [۱] (TRips) به نظر می رسد که بسیار پرهزینه و نامطمئن محقق می شنود(word Bank 2001) علی رغم این انتقادات احتراز TRips بر این است که « حمایت و تقویت حقوق مالکیت معنوی باید به ارتقای نوآوری تکنولوژیکی و انتقال جذب تکنولوژی کمک نماید و منافع متقابل ایجاد کنندگان و استفاده از دانش تکنولوژیکی را طوری تامین نماید که به رخساره اقتصادی واجتماعی منجر شود. (Wipo, TRips 1224) منعکس کنند منافع کشورهای پیشرفته می باشد. مخالفان TRips سئوالات اساسی

[1]- Trade_relaied Aspcts of intellec tual property Rights

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در مورد نقش بالقوه حقوق مالکیت معنوی (TRips[1]) در انتقال تکنولوژی و جریانهای سرمایه به کشورهای در حال توسعه دارند. برای نمونه، در گزارش اخیر کمیته TRips به خودی خود منجر به افزایش FDI نمی شود، یا این حمایت انتقال تکنولوژی یا نو آوری محلی را در کشورهای در حال توسعه تشویق نمی کند. (suns, 2000) ولی برخی مطالعات اخیر، پروژه icsTD- uncTAD) Maslus,2000, lall and Albaladejo.20041) بینش های جدیدی در مورد رابطه بین IPR_s و انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه ارائه می کند. آنها دریافتند که اثراتIPR_s بر انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه و نوآورن محلی کشورهای در حال توسعه بر طبق سطح توسعه اقتصادی و ماهیت تکنولوژیکی فعالیتهای اقتصادی متفاوت می باشد.

این وضعیت در مطالعه موردی کشور کره وجنوبی مجدداً تایید گردید. بر مبنای تحقیقات بلند مدت بر روی رفتار ترکنا در انتقال تکنولوژی و ایجاد توانایی محلی در کره جنوبی، این مقاله نشان می دهد که:

a) حمایت از IPR_s ممکن است بجای تسهیل استقال تکنولوژی مانع آن شود و در فعالیتهای یاد گیری بدحی در مرحله اولیه صنعتی سازی که یادگیری از طریق مهندسی معکوس و تقلید از محصولات بالغ خارجی روی می دهد مانع ایجاد نماید.

b) تنها بعد از اینکه کشورها تواناییهای بومی کافی به همراه زیر ساخت علم و تکنولوژی گسترده برای ایجاد تقلید خلاقانه در مراحل بعدی انباشت کردند، حمایت از IPR_s یک

[1]- intellectual property Rights

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

عنصر مهم در انتقال تکنولوژی و فعالیتهی صنعتی خواهدشد. این مقاله تاکید می کند که ژاپن، کره و تایوان البته این مقاله اشاره ای به آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی در خلال انقلاب صنعتی شان نمی کند، نمی توانند به سطوح فعلی پیشرفت مرحله اولیه صنعتی سازی شان فشار وارد آورده باشد، دست یافته باشند.

پیش از این نیز مطالعه ای(lall.2001) به این نتیجه رسیده بود که کشورهای در حال توسعه می توانند به منافع بلند مدت ناشی از IPR_s قدرتمند دست یابند تنها بعد از اینکه آنها به یک حدی (Threshold) در صنعتی شد نشان رسید. باشند بعبارت دیگر IPR_s قدرتمند ممکن است از سنعتی شدن کشورهای در حال توسعه در مراحل اولیه جلوگیری نماید. و تحت این محیط TPR کشورهای کمی مانند کروه و تایوان، میتوانند در آینده بعنوان اقتصادهای صنعتی شده و (NiEs[1]) ظهور پیدا کنند.

در دورهٔ تغییر سریع تکنولوژیکی و متعاقب آن رقابتهای جهانی حساس، متوسط چرخهٔ حیات محصول در کشورهای صنعتی کوتاهتر می شود. برای مثال، در بخشی الکترونیک چرخهٔ حیات بسیاری از محصولات بیشتر از دو یاسه سال نیست، اگر کوتاهتر نباشد در بخش های اندکی چرخه های حیات بیشتر از زمان ۲۰ ساله حمایت از حق ثبت اختراعات (patent) به درازا می کشند. به عبارت دیگر، اگر نگوییم در همه بخشها، در بیشتر بخش ها در کشورهای پیشرفته درآمدهای بیشتری از سرمایه گذاری تحقیق و توسعه در چرخه

[1]- Newiy industrializing economieds

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

حیات کوتاهتر محصول و قبل از اینکه تکنولوژی ساخت محصول به مرحله بلوغ برسد، بدست می آورند.

بنابراین پیامدهای اقتصادی حمایت قدرتمند از IPR برای محصولات در مرحلهٔ بلوغ تکنولوژی ممکن است برای صاحبان IPR در کشورهای پیشرفته ناچیز باشد. اما آنها برای شرکتهای کوچک و بزرگ تهاجمی محلی در کشورهای در حال توسعه که به یادگیری تقلیدی وابسته هستند و رشدشان را سرکوب شد ؟؟ بسیار پرهزینه می باشند برای اقتصادهای درحال توسعه پیامد حمایت قدرتمندانه تر از IPR کاهش جریان دانش از کشورهای پیشرفته و نرخ پایین تر فعالیت خلاقانه می باشد. بطور خلاصه اگر مقصد بر این باشد که عرضه کنندگان تکنولوژی در کشورهای پیشرفته و دریافت کنندگان تکنولوژی در کشورهای در حال توسعه نفعی ببرند بایستی تقویتIPR متناسب با سطح توسعه اقتصادی باشد. بعلاوه پیچیدگی تولید بخش درگیر، و میزان تهاجمی بودن شرکت در ایجاد ظرفیت جذب داخلی بایستی در رابطه با IPR و انتقال تکنولوژی تفاوتهای درنظر گرفت.

در این مقاله ابتدا، چارچوبهای تحلیلی، مسیر (trajectory) تکنولوژی پیچیدگی تولید ظرفیت جذب و انتقال تکنولوژی ارائه می شوند سپس این موارد برای تشکیل مدل جامع همگون می شوند و این مدل برای تحلیل اثرات IPR_s بر انتقال تکنولوژی و نوآوری محلی در کره جنوبی با قابلیت استفاده در دیگر کشورهای در حال توسعه استفاده خواهد شد. IPR_s در این مقاله بطور گسترده به حق ثبت اختراعات بعنوان کپی رایت و علائم تجاری مربوط می شود.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۲- چاچوبهای تحلیلی

۲-۱- چاچوب مسیر تکنولوژی

این چارچوب دو مسیر تکنولوژیکی را - یکی در کشورهای پیشرفته ودیگری در کشورهای در حال توسعه - بعنوان روشی برای تجزیه و تحلیل شرکتها در کشورهای در حال توسعه اکتساب تکنولوژی خارجی انباشت توانایی جذب خودشان در طول مسیر تکنولوژی تجزیه و تحلیل و منسجم می نماید (kim,1997a)

مسیر تکنولوژی (Technological trajectory) به جهت تکاملی پیشرفتهای تکنولوژیکی که در صنایع و بخش ها قابل مشاهده می باشند مربوط می شود. utterback , و Abernathy (۱۹۷۵) عنوان کردند که صنایع و شرکتها در کشورهای پیشرفته در طول یکه مسیر تکنولوژی که متشکل از سه مرحله تغییر (fiuid) انتقال (transition) و خاصی (specific) می باشد توسعه می یابند. این اصطلاحات انعطاف پذیری سیستم تولیدی درگیر را منعکس می کند هر چند این مراحل، به تکنولوژی نو ظهور تکنولوژی میانی ومراحل تکنولوژی بالغ مربوط می شوند، در این مقاله جدید بودن تکنولوژی محصول مورد نظر را منعکس می کنند.

شرکتها در یک تکنولوژی جدید یک الگوی متغیر از نو آوری را نشان خواهند داد. نرخ نوآوری رادیکالی محصول (نسبت به تدریجی) با لا است. تکنولوژی محصول جدید اغلب ناپخته، گران و نامطمئن است، ولی عملکرد آن طوری است که برخی خواسته های بازار را بر آورد. می سازد تغییرات محصول ناشی تغییرات بازار می باشد، بنابراین سیستم تولید متغیر

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

باقی می ماند و سازمان به یک ساختار منعطفی نیاز دارد که بطور سریع و اثر بخشی به تغییرات دربازار و تکنولوژی پاسخ دهد.Abernathy and utterback) در این مرحله، پیشگامان در کشورهای پیشرفته از مزیت اولین ایجاد کننده در بازار بر مبنای نو آوری رادیکالی محصول مطمئن هستند.

وقتی که نیازهای بازار بهتر درک شدند و تکنولوژی محصولات جایگزین متمرکز گردیدند، گذر به سوی طراحی محصولات بر روش های تولید انبوه آغاز می شود و رقابت در قیمت ونیز عملکرد محصول در مرحله میانی تکنولوژی افزایش می یابد، رقابیت در هزینه ها منجر به تغییرات رادیکالی در فرایندها و کاهش سریع هزینه ها می شود. توانایی و مقیاس تولید اهمیت بیشتری برای بدست آوردن مقیاس اقتصادی فرض می کند. شرکتهای کشورهای پیشرفته بر تون خود را در بازارهای جهانی از طریق نوآوری مستمر در محصولات و فرآیندهای حفظ می کنند.

وقتی که صنعت و بازار آن به مرحلهٔ بلوغ رسید و رقابت در قیمتها افزایش یافت، فرآیند تولید، اتوماتیک تر ، منسجم تر، سیستمی تر و خاص می شود و محصولات استاندارد تولید می نماید. و نوآوری بر روی بهبود تدریجی فرآیند و جستجوی کارآیی بالاتر تغییر می یابد. هنگامی که صنعت به مرحله بلوغ تکنولوژی رسید کمتر احتمال دارد که هدف شرکتها از R&o نو آوری رادیکالی باشد زیرا در این مرحله شرکتها در وضعیت رقابتی خود بسیار آسیب پذیر می شوندو پویای صنعت ممکن است از طریق تهاجم ناشی نوآوریهای رادیکالی ایجاد شد. بوسیله تازه واردان جدید احیا شود. ولی برخی صنایع در توسعه حیات

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

محصولاتشان در این مرحله با یکسری از نوآوریهای تدریجی جهت افزودن ارزش جدید تا حدودی موفق می شوند.

در بخش بعدی این مرحله، معمولاً صنایع به سمت کشورهای در حال توسعه یعنی همان جایی که هزینه های تولید کمتر است جابجا می شوند. بخش بالای شکل یک مسیر بالا را نشان می دهد این مدل روند (Trajectory model) کاربود جهانی ندارد و ممکن است با تغییر پارادیم اقتصادی -فنی بطور قابل ملاحظه ای تغییر نماید. با وجود این، مدل ارائه شد و جهت تجزیه و تحلیل انتقال تکنولوژی و ظرفیت سازی در کشورهی در حال توسعه مفید می باشد.

بر مبنای تحقیق که در مورد صنعت الکترونیک کره انجام شده KIm در حال ۱۹۸۰ یک مدل سه مرحلهای - خرید (acquisition) جذب (Assimilation) و بهبود برای توسعه utterbacks ارائه داد. در خلال مراحل اولیه صنعتی سازی، کشورهای درحال توسعه تکنولوژی بالغ خارجی را از کشورهای پیشرفته صنعتی می خرند. به علت فقدان توانایی داخلی ایجاد عملیات تولید، کار آفرینان داخلی فرآیندهای تولید را از طریق خرید بسته کامل تکنولوژی خارجی که این بسته شامل فرآیندهای مونتاژ، مشخصات محصول، دانش حتی تولید پرسفل ؟؟ و اجزاء و قطعات می باشد، توسعه میدهند تولید در این مرحله صرفاً عملیات مونتاژ درون دادهای خارجی جهت تولید محصولات نسبتاً استاندارد و مشابه می باشد.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

زمانیکه وظیفه خرید انجام شد، تکنولوژیهای طراحی و تولیدمحصول به سرعت در درون کشور انتشار می یابد. افزایش رقابت از جانب تازه واردهی جدید باعث تلانشهای تکنیکی بومی در جذب تکنولوژیهای خارجی جهت تولید محصولات نسبتاً متمایز می شود. موفقیت نسبتی در جذب تکنولوژی وارد شده و افزایش تاکید بر ارتقای صادرات به همراه ارتقای توانایی مهندسان و دانشمندان داخلی، منجر به بهبود تدریجی تکنولوژی بالغ می گردد تاکید تکنولوژیکی در خلال این مرحله مشبه سازی (Duplicative imitation) می باشد./

با مرتبط کردن مسیرهای تکنولوژیکی Utterhack, Abernathy (1975) و (1980) Kim وLee, Bae , choi (1988) فرض کردند که مسیر تکنولوژی سه مرحله ای در کشورهای در حال توسعه نه تنها در مرحلهٔ بلوغ تکنولوژی بلکه در مرحله میانی تکنولوژی نیز روی میدهد

مواجه با افزایش رقابت از جانب کشورهای تازه صنعتی شده و مواجه با افزایش رقابت از جانب کشورهای تازه صنعتی شده (NsiE) گروه دوم، شرکتهای موجود در کشورهای تازه صنعتی گروه اول، که تکنولوژیهای بالغ خارجی را کسب جذب و بعضی مواقع بهبود دادند، هدف تکرار فرآیند مشابه با میزان دانش سطح بالاتر در مرحله میانی تکنولوژی می باشد. در این مرحله (مرحله میانی) تاکید تکنولوژیکی تقلید خلاقانه و تولید محصولات الگوبرداری (Benchmqrking) و همچنین یادگیری گسترده از طریق سرمایه گذاری اساسی در فعالیتهای R&D داخلی انجام می شود. بسیاری از صنایع در NsiE (برای مثال کسرو تایوان) به این مرحله رسیده اند.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در صورت موفقیت برخی از این صنایع حتی ممکن است با انباشته مناسب توانایهای تکنولوژیکی محلی تکنولوژیهای جدید ایجاد نمایند و به این ترتیب شرکتهای کشورهای پیشرفته را به چالش وا دارند. نوآوری شعار این صنایع می باشد. وقتی تعداد قابل ملاحظه ای از صنایع همچنانکه در بخشی پایین تر شکل یک نشان داده شده است کشورهای در حال توسعه جهت مسیر تکنولوژی در کشورهای پیشرفته را برعکس می نمایند.

این مدل ساده شرح نسبتاً دقیقی از فرآیند تکاملی است که در کشورهای تازه صنعتی شده گروه اول در حوزه آسیای شرقی روی داده است (kim ,Hobdy, 1995) در دهه ۶۰ و ۷۰ مبنای تکنولوژیکی محلی بسیار ابتدایی بود، کره و تایوان ابتدا تکنولوژیهای بالغ را کسب و جذب نمودند و از طریق آنها به تقلید مشابه از محصولات خارجی وموجود با نیروی کاری ماهروئدی ارزان پرداختند. سپس با انباشت توانایی تکنولوژیکی از طریق یادگیری از طریق انجام (Learnigy doing) به همراه ارتقای کیفی سیستم آموزش، این کشورها را قادر ساخت تا در مواجه با افزایش هزینه های نیروی کار وافزایش رقابت ناشی از کشورهای تازه ملهکی شده و گروه دوم به تقلید نوآورانه دست بزنند. سنگاپور نیز فرآیند متقابه را طی کرد، و محصولات بالغ خارجی را با هزینه های کمتر و از طریق سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) تولید نمود. وقتی زیر بنای مهارتی سنگاپور ارتقا یافت شرکتهای چند ملیتی (MACS) استراتژی خود را نسبت به سنگاپور بعنون مکان تولید محصولات پیشرفته با R&D داخلی قرن استفاده نمودند، و شرکتهای مبتنی برنیروی انسانی را به کشورهای تازه صنعتی شد. گروه دوم انتقال دادند بسیاری از اقتصاد های آسیای شرقی مانند تایلند،مالزی،

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

اندونزی، ویتنام و فیلیپین در مرحله تکنولوژی بالغ هستند، و با استفاده از نیروی کاری انرژی به تقلید مشابه از محصولات خارجی موجود می پردازند. در مقابل کشورهای دیگر مانند چین تایپ و برخی از اقتصادهای اروپای شرقی ممکن است مراحل حرکت از سمت تقلید مشابه به تقلید نوآورانه و مراحل نوآوره را طی نکرده باشند. آنها داستان طولانی تری از انباشت تکنولوژیکی دارند و هم اکنون به مرحلهٔ تقلید مشابه رسیده اند قبل از اینکه اقتصاد هایشان را به روی کشورهای دیگر بازنمایند. ممکن است برخی از بخش های این اقتشصاده در آغاز توانایی کافی برای ورود به مرحله میانی تکنولوژی را داشته باشند. اگرآنها مرحله تکنولوژی بالغ را طی کنند، انتظار می رود که سرعت تکامل مرحله تکنولوژی میانی سریعتر از دیگر کشورها باشند.

مدل روند (trajectory model) برای بخش ها بیشتر از کشورها کار بوده تر می باشد. زیار همهٔ بخش های در درون یک اقتصاد، مسیر مشابه ای را طی نمی کنند. بخشهای پویا که تواناییهای تکنولوژیکی را از طریق مرحله تکنولوژی بالغ اکتساب کرده اند، ممکن است این توانایی را داشته باشند تا به مرحله تکنولوژی میانی از طریق تلاش های R&D داخلی کافی دست یابند، سرعت تکامل تا حد زیادی به پیچیدگی تکنولوژیهای درگیر و توانایی جذب بازیگران عمده در درون بخش بستگی دارد. بخشهای با پویایی کمتر، متکی برنیروی کاراروان می باشند، و به کشورهایی ک هزینه نیروی کار در آنجا پایین تر است منتقل می شوند.

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۲-۲- پیچیدگی تولید و چار چوب مقیاس

woodward (1965) در مورد این تکنولوژی تولید و ویژگی های سازمانی سه طبقه از پیچیدگی تولید را مطرح کرد- تولید وماحد و دسته های کوچک، دسته های بزرگ و تولید انبوه و فرآیند مستمر، عملیات دسته کوچک معمولاً محصولات بسیار متمایزی مانند ماشین آلات سنگین و کشتی سازی تولید می کند، در حالیکه عملیات فرآیند مستمرد محصولاتی با کمترین تمایز همانند فولاد، محصولات شیمیایی و دارویی تولید می کند و بالاخره و عملیات دسته بزرگ ومحصولاتی مانند محصولات الکترونیک وم مونتاژ خودرو را در بر می گیرد. این روابط در شکل دو نشان داده شده اند. بر مبنای تحقیقات عمیق از شرکتهای کروان در تمام این مراحل پیچیدگی تولید Lee,kim (1989) نتیجه گیری کردند که شرکتها با پیچیدگی تکنولوژی تولید مختلف الگوههای متفاوتی در انتقال تکنولوژی و نوآوری داخلی همچنانکه تکنولوژی تولید جهت تلاشهای تکنولوژیکی را دیکته می کند نشان می دهند.

Amsden and andkim اظهار کردند که مقیاس عملیات خواهان تنوع در رفتار تغییر تکنولوژیکی در سطح بنگاه می باشد، همچنانکه مقیاس در برگیرند. حد زیادی از توانایی تکنولوژیکی و مالی می باشد، قدرت چانه زنی در مقابل عرضه کنندگان تکنولوژی خارجی، سهم بازار و توانایی منابع انسانی ، همه اثر زیادی بر استراتژی شرکت به سمت تلاش هاس R&D و اکتساب تکنولوژی خارجی دارند این حقیقت که شرکتهای عمومی بزرگ محصشولات پیشرفته تولید می کنند و شرکتهای کوچک محصولات غیر پیشرفته و

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

ساده تولید می نمایند ممکن است خواهان تفاوت در رفتار تکنولوژیکی بین دو گروه از شرکتها گردد.

۳-۲- چارچوب توانایی جذب

توانایی تکنولوژیکی از طریق فرآیند یادگیری تکنولوژیکی بدست می آید. و یادگیری تکنولوژیکی اثر بخش مسکزم توانایی جذب می باشد که این توانایی جذب دو عنثر مهم داردک مبنای دانش موجود، و شدت تلاش (Cohen andlevinthal, 1990,kin)

اولاً دانش موجود یا قابلیت یک عنصر اساسی در یادگیری تکنولوژیکی می باشد، امروزه دانش افراد و سازمانها را قادر می سازد از طریق تاثیر بر فرآیندهای یادگیری و ماهیت یارگیری دانش افزایش یافته آینده را ایجاد نمایند و مبنای دانش موجود به دانش موجود در واحدهای مستقر در سازمان مربوط می شود دانش موجود انباشت شده توانایی ایجاد احساس جذب واستفاده از دانش جدین را افزایش میدهد. مبنای دانش مرتبط در بر گیرنده مهارتهای اساسی و دانش عمومی است که برای حمایت از وظایف تکنولوژیکی نسبتاً آسان در کشورهای در حال توسعه و نیز تازه ترین دانش تکنولوژیکی و علمی درکشورهای پیشرفته لازم است.

ثانیاً عنصر مهم دیگر شدت تلاش یا تعهد می باشد، شدت تلاش به مقدار انرژی صوف شده جهت حل مسائل بوسیله اعضای سازمان مربوط می شود اگر شرکتها صرفاً درمعرض دانش خارجی مرتبط قرار گیرند و برای داخلی کردن آن تلاش انجام ندهند ناکافی است. یادگیری چگونگی حل مسائل از طریق انجام تمرینهای مختلف بر روی مسائل مرتبط ایجاد

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

می شود بنابراین زمان و تلاش زیادی جهت حل مسائل اولیه قبل از پرداختن به مسائل پیچیده تر لازم می باشد. تلاش تعامل بین اعضای سازمانی که این اعضا به توجه خود یادگیری تکنولوژیکی در سطح سازمانی را تسهیل میکنند را افزایش می دهد.

Figure 3: Asorptire capacity

این دو متغیر – مبنای فعلی دانش و شدت تلاش در سازمان ، همچنانکه در شکل ۳ نشان داده شده است، یک ماتریس ۲×۲ ایجاد می کند که این ماتویس پویاییهای تواناییهای تکنولوژیکی را نشان می دهد. هنگامی که دانش موجود و شدت تلاش بالا می باشد (ربع اول) توانایی تکنولوژیکی بال است و به سرعت افزایش می یابد در مقابل، وقتی هر دو عنصر درسطح پایین باشند (ربع چهارم)، توانایی تکنولوژیکی پایین است وکاهش می یابد. سازمان هایی که دانش فعلی بالایی دارند ولی شدت تلاششان پایین است(ربع دوم)، ممکن است در حال حاضر توانایی بالایی داشته باشند ولی به تدریج آنرا از دست می دهند، زیرا همچنانکه تکنولوژی در طول مسیرش حرکت می کند، دانش موجود نیز منسوخ می شود. این سازمانها به تدریجی به ربع چهارم سقوط می کنند. در مقابل، سازمانهای با دانش موجود کم ولی شدت تلاش بالا (ربع سوم) ، هر چند ممکن است در حال حاضر توانایی تکنولوژیکی پایین داشته باشند اما به سرعت آنرا کسب خواهند کرد همچنانکه یادگیری پیوسته و گسسته می تواند از طریق سرمایه گذاری قابل توجه در یادگیری روی دهد، این بخش به ربع اول متصل می شود به طور خلاصه میتوان گفت که شدت تلاشی با تعهد نسبت به دانش موجود برای یادگیری بلند مدت و رقابت پذیری شرکت عنصر مهمتری می باشد.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بر مبنای مباحث بالا، شرکتهای را بر اسای ایجاد ظرفیت جذب داخلی می توان به سادگی در دو طبقه تهاجمی و غیر تهاجمی- هبقه بندی نمود. بسیاری از شرکتهای تهاجمی داخلی در کشورهای درحال توسعه به سرعت مبنای دانش موجود بر اساس شدت یادگیری بالا انباشت می کنند و از ربع سوم به ربع اول ارتقا می یابند. در مقابل، ممکن است تعداد زیادی از شرکتهای محلی موجود باشند که جزء یادگیرندگان تهاجمی تکنولوژی تمایل دارند وابستگی زیادی به عرضه کنندگان تکنولوژی خارجی داشته باشند. و شرکتهای کوچک داخلی غیر تهاجمی معمولاً فروشگاههای جزئی (petty shops) با تکنولوژی اولیه و منابع مالی ناکافی می باشند (kim and lee,1987)

٤-٢- چارچوب انتقال تکنولوژی

انتقال تکنولوژی از شرکتهای خارجی واقع در کشورهای پیشرفته می تواند یک منبع بسیار مهمی از دانش جدید برای شرکتهای واقع در کشورهای در حال توسعه باشد. هر چند ادبیات موجود در مورد انتقال تکنولوژی تا حد زیادی بر مکانیزم های رسمی انتقال ماند DI عم که انتقال درون شرکتی تکنولوژی است و حق امتیار خارجی (foregin licensing) تمرکز دارد، ولی باید توجه داشت ک مکانیزم های رسمی انتقال تنها بخشی از روشهای انتقال تکنولوژی را در بر می گیرند. مطالعات تجربی که در سطح بنگاه انجام گرفته است نشان میدهد که انتقال

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

تکنولوژی بصورت غیر رسمی بخصوص در طی مراحل اولیه توسعه تکنولوژی بسیار بیشتر از انتقال تکنولوژی بصورت رسمی است (kim.19911997)

در تجزیه و تحلیل انتقال تکنولوژی ممکن است دو بعد مورد استفاده قرار گیرد: از طریق بساز (market-Mwdiatien) و نقش عرضه کنندگان خارجی (role of foreigh supplier) در بعد اول انتقال تکنولوژی ممکن است بطور مستقیم یا غیر مستقیم از طریق بازار صورت گیرد. در انتقال تکنولوژی از طریق بازار، عرضه کننده و خریدار تکنولوژی، درباره پرداخت هزینه های انتقال، مذاکره می کنند، این هزینه ها یا در قالب تجهیزات فیزیکی و یا جدای از آن باشند. از سوی دیگر تکنولوژی خارجی ممکن است برای استفاده کنندگان داخلی بدون وساطت بازار انتقال یابد، معمولاً در این موارد انتقال تکنولوژی بصورت غیر رسمی و بدون ترتیبات و پرداختهای مکتوب صورت می گیرد.

در بعد دوم، عرضه کننده خارجی ممکن است نقش فعال داشته باشد به این صورت که بر روشی که تکنولورژی جهت استفاده به وسیله دریافت کننده محلی، منتقل می شود کنترل قابل توجهی اعمال می کند. به همین ترتیب عرضه کننده تکنولوژی ممکن است نقش منفعلی داشته باشد، به این صورت که نسبت به روشی که استفاده کننده از دانش فنی تکنولوژی موجود بهره مند می شود، نقشی نداشته باشد و کاری انجام ندهد.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

این ابعاد – از طریق بازار و نقش عرضه کنندگان خارجی- یک ماتریس۲*۲ مفیدی را جهت شناسایی و ارزیابی مکانیزم های مختلف انتقال بین المللی تکنولوژی ارائه می کند (Fransman, 1985. kim 1991) بعبارت دیگر، شرکتهای مستقر در کشورهای در حال توسعه مکانیزم های جایگزین مختلفی برای کسب تکنولوژی خارجی دارند. سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI),licesing Foreigh (FL شرکتهای کلید در دست و مشاوره های فنی، از منابع عمده انتقال رسمی تکنولوژی می باشند که در ربع اول ماتریس قرار دارند قرار داد تحقیقاتی با دانشگاههای داخلی و مؤسسات تحقیقات دولتی نیز از منابع عمده ربع اول بعنوان رو خدمات منتهی سازی در کشورهای در حال توسعه می باشند. شکل ۴ را ملاحظه کنید.

تبادل کالاهای سرمایه ای، تکنولوژی موجود در ماشین آلات رانیزمنتقل می کند (مربع۲) که این امر به نویسه خود بهره وری فرآیندهای تولید را افزایش می دهد. همچنین این امر اثرات آشکاری بر مهندسی معکوس کالاهای سرمایه ای مشابه دارد به همین دلیل کالاهای سرمایه ای ابزارهای مهمی برای انتقال تکنولوژی می باشند.

عرضه کنندگان تجهیزات خارجی اطلاعات فنی مهمی را بصورت رایگان در اختیار مهندسان داخلی در کشورهای در حال توسعه قرار می دهند تا آنها بتوانند بطور شایسته با تجهیزات کار کند و از آنها نگهداری نمایند بعلاوه و در تولید تجهیزات اصلی (OEM) خریداران اغلب دانش فنی اساسی را جهت اطمینان از اینکه تولید

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

کنندگان، ویژگی های فنی مورد نیاز خریداران را برآوره می کنند، منتقل می نمایند (ربع سوم) (kim).

اطلاعات چاپ شده مانند کاتوگهای فروش نقشه ها، مشخصات فنی، مجلات تجاری و دیگر انتشارات، به همراه بازدید از شرکتهای خارجی، بعنوان منابع غیر رسمی مهم دانش جدید برای شرکتهای موجود در کشورهای در حال توسعه می باشند (ربع چهارم) (kim and kim) بعلاوه بازگشت نخبه گان یا بازگشت متخصاصاتی که در خارج تحصیل کرده اند و مهندسانی که از خارج دعوت می شوند، ارتقای قابل توجهی جهت آموزش فنی شرکتهای موجود در کشورهای در حال توسعه ارائه می کنند .(kim 1993) شاید مهمترین روشی که شرکتهای کشورهای در حال توسعه از مکانیزن های انتقال استفاده می کند، مهندسی معکوس محصولات خارجی باشد(ربع چهارم).

میارت دیگر اگر شرکتهای کشورهای در حال توسعه توانایی جذب داشته باشند آنها می توانند بطور اثر بخشی تکنولوژی خارجی را بطور غیر رسمی و با هزینه های اندک کسب کنند (ربع ۳و۴) اگر چه منابع کسب دانش مانند دعوت از مهندسان نشریات و بازدیدهای خارجی هزینه هی خاص خود را دارند، ولی در مقایسه با هزینه های مکانیزم های رسمی انتقال مانند حق لیسانس ناچیز هستند. اگر چه انتقال غیر رسمی تکنولوژی نمی تواند کلی شود، ولی مجموعه مطالعات در بخش های مختلف کره جنوبی نشان میدهد که مکانیزم غیر رسمی نقش مهمتری را در تقویت

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

رقابت پذیری کره در بازار بین المللی و در تکامل مسیر تکنولوژیکی ایفا کرده انـد.

(kim , 1997)

۳. تجربه کره

چارچوبهای ارائه شده و قبلی در یک مدل منسجم مانند شکل ۵ جمع شـده انـد ایـن مدل استفاده خواهد شد تا بررسی کند چگونـه شـرکتها بـا پیچیـدگی هـای مختلفـی تولید و میزان تهاجمی بودن در ایجاد ظرفیت جذب داخلی، روشهای مختلف انتقـال تکنولـوژی و فعالیتهـای نوآورانـه را در مراحـل مختلـف مسـیر تکنولـوژی (Technol.gy Trajectry) انتخاب می نمایند. شکل ۵ را ملاحظه نماید.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه سعی دارند تا اقتصاد خـود را صـنعتی نماینـد. بـا وجود این اکثریت آنها پیشرفت کمی داشته اند، کشورهای اندکی مانند کره، تایوان وسنگاپور گام های مهمی در میان برزدن (catching up) از مرحله تکنولـوژی بـالغ به مرحله تکنولوژی میانی مدیریت کرده انـد. در ایـن مقالـه مـورد کـره بررسـی مـی شود.

همه ۱۸ خانه شکل پنج مربوط به موضوع های مطرح شـده در انـی مقالـه نیسـتند در مسیر تکنولوژی ابتدا دو مرحله- بلـوغ ومیـانی- بعنـوان سـاختار اساسـی بـرای بحـث استفاده خواهندشد. بعد از همه، وقتی کشوری به مرحله تکنولوژی نـو ظهـور رسـید، زمان زیادی باقی نمانده است یا بعنوان کشور در حال توسعه مورد توجه قرار گیرد.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۱-۳- مرحله تکنولوژی بالغ (تقلید مشابه ، مشابه سازی)

شرکتهای کره جنوبی در دهه های ۶۰ و ۷۰بوسیله خرید، جذب و بهبود تکنولوژی خارجی بالغ موجود و از طریق مکانیزم های مختلف وارد مرحله تکنولوژی بالغ شدند و در دهه های ۸۰ و ۹۰ ازطریق تلاش های تهاجمی بومی به تقویت تواناییهای تکنولوژیکی شان پرداختند و به مرحله تکنولوژی میانی تکاملی یافتند هرچند مسیرهای آنها دارای تفاوتهایی است که این تفاوتها تاحد زیادی ناشی از مقیاس و پیچیدگی های تولید می باشد.

در بخشهای دسته های کوچک تولید همانند ماشین سازی و کشتی سازی، شرکتهای بزرگ تاحد زیادی متکی به منابع خارجی بودند برای نصب اولیه فرایندهای تولید و طراحی محصولاتشان تا حد زیادی متکی به منابع خارجی بودند در این راه از روش هایی چون حق لیسانس خارجی foreign licensing)) و مشاوره های فنی استفاده می کردند برای مثال صنعت ماشین سازی در کل در حدود نیمی از حق امتیاز تکنولوژی درکره را خواستار بود ولی به سختی ۱۰ در صد از کل ارزش افزوده داخلی بین ۱۹۶۲ و ۱۹۸۱ را در بر داشت. شرکتهای بزرگ خواستار بسیاری از این حق امتیازهای خارجی بودند. این شرکتهای داخلی حق امتیازهای خارجی را می خریدند (ربع اول شکل ۴)، زیرا که این روش از نظر هزینه اثر بخش تری روش برای کسب مهارت های اولیه بود.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در مقابل، شرکتهای کوچک که فاقد منابع فنی ومالی بودند، تسهیلات تولیدی نخستین خود را از طریق تکنولوژیهای اولیه این که خودشان توسعه داده بودند، ایجاد نمودند، و سپس به تدریج کیفیت محصول را از طریق مهندسی معکوس تقلیدی از محصولات و فرآیندهای خارجی ارتقا دادند برای نمونه wonil mashinery work یک کارگاه تعمیر ماشین آلات کوچک، اولین ماشین نورد خود را از طریق مهندسی معکوس، که مبتنی بربازدید از یک شرکت استفاده کننده از ماشین نورد وارداتی بود، تجربه متعمیر ماشین آلات و ادبیات فنی، توسعه داد.رژیم حقوق مالکیت معنوی ضعیف موجود، به معنی این بود که توجه کمی به جنبه های قانونی کپی برداری از تکنولوژی وارداتی از طریق مهندسی معکوس می شد.

هر چند این شرکتها، همچنانکه تجربه تولید و طراحی محصول را انباشت می کردند، بطور فرآینده ای جهت ارتقای تکنولوژی وارد شده و افزایش تواناییهای طراحی محصول جهت کاهش وابستگی شاند به خارجی ها برای توسعه محصولات بعدی، بر تحقیق و توسعه خودشان اتکا کرده اند، در این بخش ها به محض اینکه مهندسان بر فرآیندهای تولید تسلط پیدا کردند، توسعه سیستم تولید به آسانی می تواند بوسیله افزودن کالاهای سرمایه ای بیشتر محقق شود.در این فرآیند، شرکتهای داخلی تهاجمی، مقدار قابل توجهی از دانش مرتبط را از طریق مکانیزم های غیر رسمی و

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

محصولات توسعه یافته از طریق فرآیندهای مهندسی معکوس کسب کردند(ربیع ۴ در شکل ۴)

دانش فنی مورد نیاز این شرکتهای داخلی در خلال این مرحله عموماً بالغ بود و مزیت رقابتی کمی به عرضه کنندگان تکنولوژی در کشورهای پیشرفته میداد. چنین دانشی یا به شکل اطلاعات چاپ شد. موجود است و یا در محصولات نهفته می باشد به این دلیل تولید کنندگان زیرک می توانستند به آسانی با استفاده از تکنولوژی مهندسی معکوس به تولید محصولات مشابه دست بزنند.

در بخش های تولید انبوه (large batch) همانند الکترونیک و اتومبیل که هم فرآیند تولید و هم محصول مشکل می نمود، شرکتهای بزرگ تهاجمی در ابتدا برای ایجاد فرآیندهای تولید و جهت طراحی و تولید محصولات وابسته به شرکتهای خارجی بودند اما آنها شیفته شرکتهای بخش های دسته کوچک (sapall batch) نبودند. زیرا که شرکتهای دسته کوچک در مقایسه با شرکتهای دسته بزرگ محصولات استاندارد کمتری تولید می کردند. هر چند این شرکتها همانند شرکتهای با تکنولوژی دسته کوچک تکنولوژی وارداتی خارجی را جذب می کرده اند و از طریق مهندسی معکوس محصولات جدیدی تولید می کردند. برای نمونه، شرکت الکترونیک LG کسب و کار مونتاژ رادیو را از طریق حق امتیاز تکنولوژی از کشور ژاپن آغاز نمودند ولی به سرعت در انباشت تواناییهای تکنولوژی یکی خودشان از طریق فعالیتهای R&D و یادگیری جسورانه پیشرفت

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

نمودند در مقابل شرکتهای کوچک در این صنایع تولید دسته کوچک را متناسب با نیازهای کمی بکار می برند. دانش فنی به شکل اطلاعات چاپ شده و دانش محصور در محصول است برای این شرکتها موجود بود. و شرکتهای داخلی زیرک می توانند به آشانی این محصولات خرجی را مهندسی معکوس نمایند و محصولات مشابه ای تولید نمایند. برای مثال تعداد زیادی از شرکتهای الکترونیک کوچک در کره در تولید محصولات و قطعات نهایی از طریق این فرآیند رشد کرده اند.

این شرکتها به زودن تبدیل عرضه کنندگان تولید کننده تجهیزات اصلی (OEM) داخلی برای شرکتهای چند ملیتی می شوند (Dieter and kim) در این مورد (OEM) خریدان شرکتهای چند ملیتی بطور رایگان طرح های محصول و کمک فنی را به منظور اطمینان از اینکه کالاهای تولید شده داخلی مشخصات فنی خریداران را بر آورد. می سازند ارائه می کنند (ربع سوم در شکل چهار) سپس این شرکتها تواناییهای تکنولوژیکی کافی را از طریق learning by doing انباشت می نماید تا تبدیل به تولید کنندگان طرح های خودی (ODm) شوند. در مسیر این تکامل شرکتهای بزرگ داخلی تهاجمی توانایی تکنولوژیکی را بوسیله مهندسی معکوس تقلیدی از محصولات خارجی مبادله شده موجود در بازار کسب می نمایند. (ربع شکل چهارم) همچنین توافقات مقاطله کاری در اجازه دادن به شرکتهای کره ای برای آشنا شدن با استاندارد های بین المللی و مشخصات فنی و نیز بازار بین المللی شش مهمی ایفا می کنند.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

دربخش های تولید فرآینـد مستمر هماننـد شـیمیایی، دارویـی، فـولاد و کاغـذ، کـه محصولات استاندارد معروض از طریق فرآیندهای تولیـد پیچیـده تولیـد مـی نماینـد، برخی شرکتها از ابتدا با ظرفیت بـالایی جهـت اطمینـان از ایجـاد سـریع و آغـاز روان فرایندهای تولید اولیهٔ خود شـرکتهای کلیـد در دسـت (Turkey) وارد مـی کننـد. (ربع اول شکل ۴) برای مثال بعلت فقدان توانایی های تکنولوژیکی بومی تمام صنایع خوداد و کود شیمیایی و برخی شرکتهای کاغذ سازی و شیمیایی اولین بار در کره از طریق توافقـات شـرکتهای کلیـد در دسـت ایجـاد شـدند. توانـایی تولیـد اولیـه بـرای عملیات و حفظ چنین شرکتهای فرآیند محور (process-oriented) تا حد زیـادی ناشی از آموزش گشترده بوسـیله عرضـه کننـدگان خـارجی، قبـل، در طـی و بعـد از تنظیم فرآیندهای تولید اولیه می باشند. هر چند این شـرکتها از اسـتراتژیهای حسـاب شده به همراه تلاشهای قابل ملاحظه برای کسـب تواناییهـا نـه تنهـا بـرای عملیـات و حفظ فرآیند ها بلکه همچنین برای طراحی و احداث شرکتهای جدیـد، اسـتفاده مـی نمایند. د رنتیجه چنین تلاش هـایی شـرکتهای محلـی را قـادر مـی سـازد تـا یکسـری بهبومدهای جزئی ایجاد نمایند، که این امر به نوبهٔ خود منجـر بـه افـزیش قابـل توجـه دربهره وری می گردد و کم کم وظایف مهندسی در توسعه بعـدی را بـر عهـده مـی گیرند. برای مثال کارخانه فولاد posco در خاز اول در سال ۱۹۷۱ به ظرفیـت سـالانه یک میلیون تن، کاملا متکی به ژاپن ها بود. اما تا سال ۱۹۸۱ ظرفیت کارخانـه مزبـور در سه فاز توسعه به ۸/۵ میلیون تن افزایش یافت که هر سه فاز توسـعه تحـت رهبـری

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مهندسان کره بود، و به این ترتیب هزینه های مهندسی خارجی به سرعت از ۶/۱۳ دلار به ازان هر تن به ۰/۳ دلار به ازای هر تن در طی دوره مشابه ای کاهش یافت.

در مقابل برخی شرکتهای داخلی متهاجعی بطور پویا از شرکتهای کوچک ابتدایی به شرکتهای مدرن بزرگ در بخش های فرآیند مستمر رشد یافتند بسیاری از شرکتهای لوازم آرایشی و دارو سازی بزرگ داخلی (kim,kim,and lee,1989) و برخی شرکتهای شیمیایی و کاغذ سازی (Amsden and kim ,1985 kim 1997) بطور ارگانیک از شرکتهای کوچک که بطور تقلیدی فرآیندهی اولیه تولید خود را توسعه میدادند در طی چند دهه به شرکتهای نوآور بزرگ تبدیل شدند. برای مثال شرکتهای دارو سازی داخلی پیش رو در ابتدا با عنوان وارد کننده و توزیع کنند. داروهای تکمیل شده بسته بندی شد. شروع به کار نمدند و بعداً بوسیله بسته بندی داروهای فله ای وارد شده وارد کسب و کار تولید دارو شدند. این شرکتها به تدریج و در ابتدا بوسیله فرمول بندی مواد خام وارد شده و سپس از طریق ترکیب روبه عقب از طریق تولید عناصر شیمیایی وارد عملیات پیچیده تر شدند. از طریق این فرآیند این شرکتها هم اندازه آنها رشد کرد وهم تواناییهای تکنولوژیکی آنها افزایش یافت. در نتیجه شرکتهای داخلی تقریباً ۹۰ درصد بازار داخلی دارو را درکره جنوبی در مقایسه با ؟؟۲۲ درصدی در برزیل، ۴۷ درصدی در آرژانتین، ۳۰ درصدی درهند، در اوایل دهه ۱۹۸۰ بدست آوردند (Un,1984) در طی این دوره کره تنها به ثبت اختراعات (patents) فرآیند در صنایع دارو سازی، لوازم آرایشی و

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

شیمیایی احترام می گذاشت و به ثبت اختراعات محصول توجهی نمی کرد، و به این ترتیب برای تولید کنندگان داخلی مسیری را ایجاد کرد که حول فرآیندهای ثبت شده کار کنند تا به این طریق محصولات دارویی و شیمیایی نسبتاً معروفی تولید نمایند (kim.and lee,1989) این امر ناشی از حقوق مالکیت معنوی ضعیف نبود، شاید این امر برای شرکتهای داروسازی داخلی برای رسیدن به این امر غیر ممکن باشد. برخی از شرکتهای داخلی از نظر تکنولوژیکی به سطحی ارتقا باشند که آنها می توانستند برخی از فعالیتهای R&D را انجام دهند و ترکیبات دارویی جدیدی را کشف نمایند (lee and kim)

بسیاری از شرکتهای تابعه خارجی چه با مالیکیت کامل (wholly owAed) و چه سرمایه گذاری مشترک، نقش مهمی درانتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه به شکل های FDI ,FL (ربع ۱ درشکل ۲) در مرحله تکنولوژی بالغ ایفا می کنند برخی استدلال می کنند که فقدان حمایت از حقوق مالکیت معنوی ممکن است مانع جریان FDI به کشورهای در حال توسعه شود. اما شواهد بکربی ناشن می دهند که حمایت از IPR یک عامل اساسی برای شرکتهای چند ملیتی برای سرمایه گذاری در کشورهای درحال توسعه نمی باشد. (lall and Aibaladejo, 2001, Rasiah, 2001) در مرحله تکنولوژی بالغ MNCS شرکتهای تولیدی خود را در قالب FDI به کشورهای در حال توسعه انتقال می دهند تا بتوانند در مکانهایی تولید نمایند که هزینه نیروی کار پایین است و از این طریق

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بتوانند محصولات بالغ را برای صادرات به دیگر کشورها ویا جفظ بازارهـای داخلـی تولید نمایند. دراین موارد، شرکتهای تابعـه داخلـی، IPR_s را نقـض نمـی کننـد، در این مرحله تکنولوژیهای حیاتی کمی در چنین سرمایه گذاری درگیر می شوند. مگـر تکنولوژیهایی که در فرآیندهای تولیـد نهفتـه مـی باشـند. اثـرات سـرریز (spilll over) تکنولـوژی بـر شـرکتهای داخلـی دیگـر و اقتصـاد تـا حـد زیـادی بـه شـکل جابجایی نیروی انسانی می باشد.

نکته مهمتر این است که احتمالاً انتقال اثـر بخشـی تکنولـوژی از طریـق تـلاش هـای شرکتهای داخلی تهاجمی اتفاق می افتد تـا اینکـه ایـن امـر از طریـق FDI رخ دهـد بـرای مثـال، در تولیـد، شـرکتهای چنـد ملیتـی بـه سـرمایه گـذاری مسـتقیم خـارجی (FDI) تشویق می شوند تا بتوانند شرکتهای خودشان را در جاهایی مستقر نمایند کـه آنها بتوانند درون دادهای منبع یـابی خـود را پهنـه نماینـد و کالاهـا و خـدماتی را در راستای استراتژی جهانی خود تولیـد نماینـد بـه همـین دلیـل، FDI قطعاً تواناییهـای مـدیریتی و تولیـد را جهـت اطمینـان از تولیـد کـارآی محصـولات طراحـی شـده و خارجی، انتقال می دهند.هر چند، آنها به سختی توانایی های مهندسـی و نـوآوری را منتقل می نمایند.

یک تحلیل مقایسه ای از فرآیند یادگیری تکنولوژیکی و عملکرد بازار بین شرکت OHyundai یک شرکت مستقل داخلی و شرکت Daewoo یـک سـرمایه گـذاری مشترک با جنرال موتور بزرگترین شرکت با بیشـترین هزینـه هـای R&D در جهـان

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مثال زده می شود شرکت هیوندایی حق امتیاز تکنولوژیها را از منابع چند گانه می گرفت و به طور مستقل مسئولیت منسجم کردن آنها در یک سیستم تولید انبوه عملی را بر عهده می گرفت، این امر مستلزم ریسک زیادی بود. اما این امر شرکت هیوندایی را مجبور و تشویق می کرد که تکنولوژیهای خارجی را با حداکثر سرعت ممکن در سراسر فرآیند جذب نماید، زیرا هیوندایی تامین کننده خارجی نبود. لذا می بایست در صورت ناکامی تمام هزینه ها را تحمل کند. بعلاوه، هیوندایی به شدت بر روی R&D سرمایه گذاری کرد تا بتواند تواناییهای نو آوری و طراحی را انباشت نماید.

وبه این ترتیب بود که هیوندایی اول مدل بومی خودرا با نام Pony با حدود ۹۰ درصد محتوای داخلی در سال ۱۹۷۵ توسعه داد، و این شرکت کیفیت مدل مذکور را در سالهای بعدی سریعاً از طریق فعالیتهای R&D جدی بهبود بخشید و کره را دومین کشور آسیا یی کرد که خودش دارای صنعت اتومبیل بود. درنتیجه، سهم بازار داخلی شرکت هیوندایی از اتومبیل های مسافرتی از ۱۹/۲ درصد در حال ۱۹۷۹ افزایش یافت. هیوندایی در حدود ۶۲۵۹۲ هزار خودرو به اروپا، خاورمیانه و آسیا صادر کرد، این شرکت ۶۷ درصد لک صادرات اتومبیل از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸ و ۹۷ درصد از کل صادرات اتومبیل های مسافرتی کره در دوره ۱۹۸۶-۱۹۸۳ را نیز در اختیار داشت. مدل pon1/ ، ۹۸ درصد از صادرات هیوندایی در خلال این دوره ها را در اختیار داشت (kim,1998)

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در مقابل محدودیت ناشی از اهداف جهانی جنرال موتورز، D aewoo در منبع یابی تکنولوژی تنها متکی بر GM بود، و در توسعه توانایی تکنولوژیکی خودش کار نسبتاً کلی انجام داد وحتی در طراحی محصولات خودش فعالیتهای فعلی کمتری انجام داد. اما انتقال تکنولوژی به شکل سرمایه گذاری مشترک (Joint venture) این آمادگی را دارد که منجر به نگرش متقعلانه از طرف دریافت کنند. در فرآیند یادگیری شود، زیرا که عرضه کننده عملکرد تکنولوژی منتقل شده را تضمین می کند. سرمایه گذاری جهت بهبود محصول و فرآیند که بوسیله Daewoo بین سالهای ۱۹۸۱-۱۹۷۶ صورت گرفت، تنها ۱۹ درصد سرمایه گذاری انجام شده بوسیله هیوندایی بود، اگر چه ظرفیت تولید Daewoo بطور متوسط تقریباً ۷۰ درصد ظرفیت تولید هیوندایی بود. در نتیجه اگر چه محصولات این دو شرکت از نظر موتور، اندازه و قیمت با هم قابل مقایسه بودند ولی Daewoo تنها ۱۹/۵ درصد از ظرفیت خود را در سال ۱۹۸۲ عملیاتی کره بود، این در حالی بود که هیوندایی ۶۷/۳ درصد از ظرفیت خود را در سال ۱۹۸۲ عملیاتی کرده بود، تفاوت در بهره وری نیروی کار کاملاً آشکار بود، در Daewoo به ازای هر نفر ۲/۶۱ خودرو تولید می شد در حالیکه در هیوندایی، این رقم ۸/۵۵ بود. در نتیجه Daewoo تنها ۱۷ درصد سهم بازار اتومبیل های مسافرتی را در مقایسه با سهم ۷۳ درصدی هیوندایی در اختیار داشت، این امر منعکس کننده تمایلات مصرف کنندگان نسبت به خودروهای هیوندایی می باشد.

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

اما درست یکسال بعد از اینکه GM درسال ۱۹۸۳ کنترل مدیریتی Daewoo را بر عهده گرفت، این شرکت بهبودهایی را در توسعه فرآیند/ محصول و عملکرد بازار نشان داد. مدیریت Daewoo یک بخش کال R&D را ایجاد نمود، سیستم « کابنان» ژاپنی های را پذیرفت تولید را کارآمد مساحت، یک برنامه کنترل کیفیت نتظیم نمود، و اهرم بازاریابی خود را تقویت نمود. با این وجود تضاد بین ظرفین، سرمایه گذاری مشترک را دچار مصیبت کرد جدایی ۱۹۹۲ از GM بالاخره Daewoo را آزاد گذاشت تا جهت گیری استراتژیک جهانی خودش را خود تنظیم کند و مسیر آرمانی خودش را جهت یابی نماید، و جایگاه دوم را بعد از هیوندایی مجدداً بدست آورد.

نهادهای عمومی نیز نقش مهمی در انتقال تکنولوژی خارجی از طریق مهندسی معکوس ایفا کردند. دانشگاهها در کمک به صنعت کره نقش ضعیفی داشتند د خلال مرحله تکنولوژی بالغ، آنها عمدتاً به عنوان موسسات آموزش محور (TEACHING- ORIENTED) در سطح لیسانس باقی ماندند و تحقیقات کمی انجام دادند. به علت فقدان در دانشگا ها، دولت مؤسسه تحقیقاتی تحت حمایت دولت (GRI) رامؤسسه علم و تکنولوژی کره(kist) با استخدام دانشمندان و مهندسان آموزش دیده در خارج ایجاد نمود.

بر طبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۱، مهندسی معکوس محصولات خارجی به طور قابل توجهی قیمت تکنولوژی راکاهش داد. برای مثال kist صنایع را قادر

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

ساخت با قدرت چانه زنی خود را در کسب تکنولوژی خارجی تقویت نمایند. هنگامی که تلوزیونهای سیاه وسفید به سرعت به مرحله کاهش در بازار صادرات نزدیک شد، تلویزیون رنگی محصول هدف بعدی برای شرکتهای کره ای جهت حفظ صادرات در حال افزایششان بود. هیچ تدام از تولید کنندگان تلوزیون های رنگی خارجی تمایل نداشتند که حق امتیاز تکنولوژی را به تولیدکنندگان کره ای ارائه دهند و به آنها کمک نمایند دوباره بازار آمریکا را مورد تاخت وتاز قرار دهند، همان کاری که با تلوزیون های سیاه و سفید کرده بودند سه شرکت عمدهٔ تولید کننده تلوزیون بطور مشترک در یک قرار داد تحقیقاتی با kist در جهت بدست آوردن دانش و تجربه کافی در تکنولوژی تلوزیون رنگی شرکت کردند. تجربه بدست آمده از دریافت کنندگان تلوزیون های سیاه و سفید و یادگیری ناشی از تحقیقات مشترک این امکان را برای شرکتهای داخلی بوجود آورد تا قدرت چانه زنی خود را تقویت نمایند و نرخ هزینه حق امتیاز (royalty) را بطور قابل توجهی در مورد حق امتیاز حق ثابت اختراعات اصلی RCA در سال ۱۹۷۴ را کاهش دهند، و آنها وارد مجموعه تولید کنندگان تلوزیون رنگی کرد و داشتن صادرات را برای آنها ممکن ساخت.

همچنین kist در انتقال تکنولوژی به صنعت از طریق مهندسی معکوس تکنولوژی خارجی تحت شرایط حمایت ضعیف از حقوق مالکیت معنوی- فعالیتی که فراتر از توانایی صنعت کره در آن زمان بود- نقش قابل توجهی ایفا کرد. برای مثال، هنگامی

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

که یک شرکت ژاپنی از انتقال تکنولوژی تولید فیلم پولیستر (polyeter) به یک شرکت شیمیایی کره ای به خاطر توس از، از دست دادن بازار محصولش در کرده، امتناع کرد، شرکت با همکاریkist بطور موقعیت آمیزه وظیفه مهندسی معکوس را بر عهده گرفت و در حول تکنولوژی تولید اختراعاتی انجام داد. چیزی از تحقیقات kist حول تکنولوژی نگذشته بود که شرکت ژاپنی پیشنهاد توافقات انتقال تکنولوژی را ارائه کرد، که در این حال دولت کره به جهت حمایت از تکنولوژی توسعه یافته کره ای از قبول آن امتناع نمود (kim,1991)

در نتیجه در خلال مرحله تکنولوژی بالغ، شرکتهای کره ای مقدار زیادی از تکنولوژیهای بالغ خارجی را عمدتاً از طریق مهندسی معکوس محصولات خارجی موجود و تحت شرایط حمایت ضعیف از IPR کسب، جذب و تحویل نمودند. این موارد را میتوان در آمار انتقال تکنولوژیFL-FDI و واردات کالاهای سرمایه ای ملاحظه نمود، از میان طبقات سه گانه انتقال تکنولوژی واردات کالاهای سرمایه ای از نظر ارزش بسیار بیشتر از دیگر ابزارهای انتقال تکنولوژی بود. از اواسط دهه ۱۹۸۰ واردات کالاهای سرمایه ای از نظر ارزش ۳۴ برابر ارزش FDI ، ۷۲ برابر ارزش FL و تقریباً ۳۰۰ برابر ارزش مشاوره های فنی بود. ارزش کل واردات کالاهای سرمایه ای ۲۱ برابر مجموع دیگر طبقات بود. اگر چه ارزش روش های مختلف انتقال تکنولوژی بخاطر اینکه آنها چیزهای مختلفی را می سنجند، در میان کشورهای تازه صنعتی شده. (NiEs) ، نسب واردات کالاهای سرمایه ای به کل روشهای انتقال

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

تکنولوژی در کشور کره در مقایسه با کشورهای تازه صنعتی شده ای چون برزیل، آرژانتین، هند و مکزیک در بالاترین سطح بود. این امر نشان می دهد که کره بیشتر تکنولوژی خود را از کشورهای پیشرفته و از طریق واردات کالاهای سرمایه ای اکتساب کرده است، و از این کالاهای سرمایه ای برای مهندسی معکوس استفاده کرده است (kim,1997)

یک فرد ممکن است با اتکاء بر تجربیات کره جنوبی استدلای کند که IPR_S مانع جریان کالاهای سرمایه ای نمی شود و بنابراین مهمترین شیوه های انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه را در این مرحله دچار محدودیت نمی کند، ولی IPR_S با محدود کردن فعالیتهای مهندسی معکوس برای تقلید مشابه (مشابه سازی) مانع یادگیری تکنولوژیکی اساسی می شود.

سهم مهندسی معکوی را نمی توان کمی کرد، ولی مطالعاتا عمیق نشان می دهد که چنین شیوه هایی در صنایع الکترونیک، شیمیایی، ماشین آلات، داروسازی و کامپیوتر متداول و گسترده می باشد. به عبارت دیگر تجربه کره نشان می دهد که بیشتر اطلاعات اساسی و مهم مورد نیاز برای حل مسائل فنی در مرحله تکنولوژی بالغ میتواند بصورت رایگان و از طریق مکانیزم های غیر رسمی بدون واسطه بازار (non-market-mediated) بدست آید. این امر در صورتی است که کشورهای در حال توسعه توانایی داخلی برای انجام فعالیتهای مهندسی معکوی را داشته باشند، زیرا که آنها به شکل های مختلف موجود می باشند. حتی اگر چنین تکنولوژی

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

دارای حق امتیاز بود، کره حقوق مالکیت معنوی را تحت فشار قرار نمی داد و خوشبختانه صاحبان ثبت حق امتیاز خارجی در کنترل این چنین مشابه سازی هایی بامدارا برخورد می کردند. زیرا که آن مدت زمان زیادی در حفظ رقابتی بودن بین المللی اش مفید نبود. ولی اگر شک از چنین تلاشهای مهندسی معکوس جلوگیری خواهذد کرد و در نتیجه یادگیری تکنولوژیکی توسط کشورهای در حال توسعه در این مرحله دچار مشکل خواهد شد.

در طی این دوره همان دوره که آمار patents نشان میدهد حقوق مالکیت معنوی موضوع مهمی برای شرکتهای داخلی کره نبود. جدول یک نشان می دهد که ثبت اختراع نه تنها در سطح پایین بوده است. بلکه رشدآن نیز خیلی کند بوده است. در دوره ۱۹۷۸-۱۹۶۵ تنها ۴۸ درصد رشد داشته است. بعلاوه شرکتهای خارجی تقریباً ۸۰ درصد آنها را در اختیار داشتند، و تلاش می کردند تا از حقوق مالکیت معنوی خودشان در بازارکره حمایت نمایند اما شرکتهای داخلی این توانایی را نداشتند تا بتوانند ایده های واقعی برای ثبت اختراع تولید نمایند و در ضمن انگیزه ای نیز برای پرداختن به ثبت اختراع نداشتند از طریق این فرآیند، شرکتهای کره ای پایه مستحکمی ایجاد کرده اند تا وظایف تکنولوژیکی جدید را در مرحله تکنولوژی میانی جهت تقلید خلاق به چالش بطلبنکد جدول یک را ملاحضه کنید.

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۲-۳- مرحله تکنولوژی میانی (تقلید خلاق)

همانطور که فرآیند صنعتی شدن نمایان می شود و شرکتهای کره ای در قابلیتهای تولیدی کپی برداری (duplicative imitation) محصولات کم هزینه و استاندارد ماهر می شوند آنها نیاز دارند تا تواناییهای بومی شان را ارتقا دهند و برای مواجه با افزایش دستمزدهای داخلی و تهدیدهای رقابتی نو ظهور در تولیدات کاربر) (labaur-intensive ناشی از کشورهای در حال توسعه گروه دوم، محصولات با ارزش افزوده، بیشتر تولید نماید. این امر، شرکتهای کره ای را در دهه ۱۹۸۰ و ادار کرد که استراتژیهای خود را از تمرکز تکنولوژیهای بالغ کاربر، به تکنولوژیهای میانی دانش محور تر در همه بخشها تغییر دهند. این وضعیت در قسمت پایین شکل یک نشان داده شده است.

تمام شرکتها با مقیاس های پیچیدگی تولید مختلف شروع به تاکید بر کسب توانایی تولید نمودند، ولی هر کدام از گروههای سه گانه تولید، توالی خاصی را دنبال نمودند تا از این طریق بتوانند منافع تلاش های تکنولوژیکی خود را حداکثر نمایند. برای مثال شرکتهای بزرگ با تولید دسته ای کوچک به سرعت برای کسب توانایی نوآوری در جهت اصلاح و بهبود محصولاتشان که قبلاً تحت توافقات حق امتیاز تولید می شدند، تلاش نمودند، زیرا که توانایی سرمایه گذاری اهمیت کمتری برای آنها داشت، توسعه با افزودن سرمایه بیشتر انجام می شد.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

در بخش هایی که دارای تولید دسته های بزرگ بودند، غالباً به طور همزمان به کسب توانایی سرمایه گذاری و توانایی نوآوری بعد از توانایی تولید تاکید می شد، زیرا که توانایی توسعه سیستم تولید که بسیار پیچیده تر از سیستم تولید دسته کوچک بود، و توانایی اجداع محصولات جدید اهمیت یکسانی داشتند.

در مقابل، شرکتهای که دارای فرآیند تولید پیوسته بودند، به ترتیب ابتدا به کسب توانای تولید، سپس توانایی سرمایه گذاری و بالاخره توانایی نوآوری پرداختند. از آنجاییکه هزینه های مهندسی بسیار بالا بود. شرکتها تلاش کردند تا تواناییهای مهندسی را جهت کاهش هزینه های سرمایه گذاری داخلی نمایند. سپس بر مبنای تواناییهای سرمایه گذاری و تولید کسب شده، این شرکتها در جهت تعمیق تلاشهای تحقیق و توسعه خودگام برداشتند، تا بتوانند محصولات و نیز فرآیندهایشان را ابداع نمایند. (kim and lee) بطور خلاصه، تمام شرکتها با پیچیدگی های مختلف تولید، بطور یکسان بر تلاش های R&D بومی تاکید نمودند تا از این طریق به نوآوران رقابت جو جهت وظایف تقلید خلاقانه در مرحلا تکنولوژی میانی تبدیل شوند.

شرکتهای کره ای در همهٔ بخش های صنعتی برای حل چالش وظایف تکنولوژیکی جدید، که فراتر از تواناییهای فعلی آنها بود، بطور عمده تلاش های تکنولوژیکی خود را بر سه ناحیه اساسی متمرکز نمودند: انتقال تکنولوژی خارجی از طریق مکانیزم رسم، استخدام نیروی انسانی مستعد خارجی، و تلاشهایR&D داخلی،

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بعلاوه، دولت در ارتقای تحقیقات دانشگاهی و توسعه GRIS سرمایه گذاری زیاد انجام داد.

همانطور که شکل زیر نشان داده است همه این توسعه به اهمیت موارد مربوط به حقوق مالکیت معنوی در کره نه تنها برای شرکتهای خارجی بلکه برای شرکتهای کره ای نیز، اثر مستقیم داشته است. این امر در آمار ثبت اختراع در کره آشکار است. فعالیتهای حق ثبت اختراع در کره طی دو دهۀ گذشته در مقایسه با دو دهۀ قبل از آنها، جهش قابل توجهی داشته اند، در ۱۴ سال اول (۱۹۷۸-۱۹۶۵) حفظ ۴۸ درصد رشد داشته است. ولی در ۱۱ سال بعدی (۱۹۹۳-۱۹۸۹) سه برابر گرید. علاوه بر ای، سهم کره ای ها در ثبت اختراعات داخلی از ۱۱/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۶۹/۲ درصد تا سال ۱۹۹۹ افزایش یافت، شواهد نشان می دهند که فعالیتهای R&D افزایش یافته اند.

شرکتهای کره ای در ثبت پتنتهای (PATENTS) خارجی نیز فعال شدند. برای مثال کره جنوبی بر اساس تعداد پتنتهای آمریکا، در میان ۳۶ کشور لیست شده در گزارش NTIS با تعداد ۵ پتنت در سال ۱۹۶۹ در جایگاه ۳۵ قرار داشت، ولی جایگاه این کشور در سال ۱۹۹۲ با ۵۳۸ پتنت به رتبه ۱۱ صعود نمود. این آمار نشان دهندۀ نرخ رشد متوسط سالانه ۴۳/۳۲ درصد می باشد. این نرخ رشد در میان گزارش مذکور بالاترین نرخ رشد در میان کشورها بود. گزارش جدیدتر نشان می دهد که کره با داشتن ۳۶۷۹ پتنت در سال ۱۹۹۹ به جایگاه ششم ارتقا یافته است و

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

بعد از کشورهایی چون ژاپن،آلمان، تایوان، فرانسه و انگلیس قرار دارد. شرکت الکترونیک سامسونگ، تحقیق و توسعه محور ترین شرکت در کره، با تعداد ۱۵۴۵ ثبت اختراع در آمریکا در رتبه چهارم و بعد از شرکتهایی چون cannon, ZEC,iBM قرار دارد. آمار بالا نشان دهنده جدیت کره اییها در حفظ حقوق حق ثبت اختراع در کشور خود و خارج از کشور خود می باشد.

نقش انتقال تکنولوژی

اولاً، انتقال تکنولوژی خارجی هنور هم بعنوان یک منبع عمده برای ایجاد مبنای دانش موجود در شرکتهای کره ای می باشد. بطور ساده تکنولوژیهای بالغ به آسانی و بصورت رایگان از طریق مکانیزم های غیر رسمی می توانند بدست آیند، زیرا که آنه به شکل های مختلف موجود می باشند. همانطور که قبلاً خاطر نشان شد حتی اگر چنین تکنولوژیهایی، ر حفظ رقابت پذیری بین المللی مدت زمان زیادی دوام نمی آورند، در کنترل تقلید مشابه (duplicatire imitation) از آنها سخت گیری نمی کنند.

تکنولوژیهای مرحله میانی، پیچیده تر بودند، و نیازمندتواناییهای بیشتری برای استفاده از مدارک مستند بودند. در ضمن صاحبان ثبت اختراع خارجی نسبت به کنترل تقلید آن توسط کشورهای در حلا تسعه جدی بودند، زیرا که تکنولوژی هنوز در توسعه فعالیتهای کسب و کار بین المللی نقش اساسی داشت و رقابت پذیری آنها راحفظ

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

می کرد. بنابر این، شرکتهای کره ای بطور فرآینده ای به انتقال تکنولوژی رسمی همانند FL, FDI متوسل شدند. این امر را می توان از آمارها ملاحضه نمود.

FDI از ۲۱۸ میلیون دلار در سالهای ۱۹۷۱-۱۹۶۷ به ۱/۷۶ میلیارد دلار در سالهای ۱۹۸۶-۱۹۸۲ افزایش یافت، در حالیکه، در طی مدت مشابه، rolalty های مربوط به FL از ۱۶/۳ میلیون دلار به ۱/۱۸ میلیارد دلار افزایش یافت، همچنین واردات کالاهای سرمایه ای در همین دوره از ۲/۵ میلیارد دلار به ۵۰/۹ میلیارد دلار افزایش یافت.

استفاده از نیروی انسانی

ثانیاً برای شکاف تکنولوژی دانش محور تر (more knowledge -intensire) شرکتهای کره ای نیروی انسانی بسیار مستعدی را از خارج جذب کردند. دولت کره در رابطه با فرار مغزها در مرحله تکنولوژی بالغ سیاست آسان گیرانه ای اتخاذ کرده بود. تا همان ۹۶/۱۹۶۷،۷ درصد از دانشمندان کره ای و ۸۷/۷ درصد از مهندسان تحصیل کرده در خارج در آنجا، عمدتاً آمریکا باقی ماندند (Hentages,1975) ولی آنها برای پیشرفتهای بعدی کره به منابع اساسی شبکه فنی خارجی و مجموعه نیروی انسانی مستعد تبدیل شدند.

وقتی در دهه ۱۹۷۰ صنعتی سازی به سرعت پیشرفت کرد، دولت کره تلاشهای نظامندی را برای برگرداندن مهندسان و دانشمندان کره ای مستقر در خارج کشور

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

انجام داد.ماهیت درگیری دولت بجای اینکه تشویق (prom,tional) واز طریق پیشنهاد حقوق و دستمزد بسیار جذاب باشد، بسیار دستوری (directive)) بود (yoon,1992) برنامه دولتی بازگشت نخبگان کاملاً موفق بود. همان طوریکه تعداد کمی از نخبگان مجدداً به کشورهای پیشرفته بازگشتند. این برنامه برای بخش خصوصی یک الگو شد، و بخش خصوصی از دهه ۱۹۸۰ و با اعتماد به نفس شروع به استخدام مهندسان و دانشمندان مستعد نمود. داستانهای موفقیت پیشرفت کره در صنایع High-tech با جابجایی مهندسان و دانشمندان کره ای - آمریکایی، که نقش مهمی در توسعه تکنولوژیهای جدید در کره داشتند ، بسیار چشمگیر بود (kim,1997b,kim 1998) در سال ۲۰۰۲ Saxonina گزارش مشابه ای را در مورد چین، هند و تایوان ارائه کرد.

فعالیتهای R&D خصوصی

ثانیاً همزمان با افزایش فعالیتهایی در جهت کسب تکنولوژیهای دانش محور از طریق مکانیزم های رسمی و جابجایی نیروی انسانی مستعد، شرکتهای کره ای فعالیتهای R&D خود را جهت تقویت قدرت چانه زنی نشان در انتقال تکنولوژی، تسریع یادگیری تکنولوژی کسب شده و تعدیل وابستگی به تکنولوژی خارجی، افزایش دادند.جدول ۲ نشان می دهد که سرمایه گذاری بر روی R&D در سه دهه گذشته اندکی جهش داشته و از ۲۸/۶ میلیون دلار آمریکا در سال ۱۹۷۱ به ۴/۷ میلیارد دلار درسال ۱۹۹۰ افزایش یافت و در نهایت در سال ۲۰۰۰ مبلغ آن به ۱۲/۲ میلیارد دلار

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

رسید. اگر چه نرخ رشد اقتصادی کره یکی از سریع ترین نرخ های رشد جهان بوده است ولی هزینه های R&D حتی سریع تر از تولید ناخالصی داخلی رشد کرده است. در طی همین دوره، تحقیق و توسعه بعنوان درصدیاز GDP (R&D/GDP) از ۰/۳۲ درصد به ۲/۶۸ درصد افزایش یافت، و این رقم بیشتر از بیسیاری از کشورهای اروپای غربی می باشد.

در نتیجه تغییرات ساختاری مهمی در سرمایه گذاری R&D بوجود آمد. هنگامی که بخش خصوصی در مورد سرمایه گذاری بر روی R&D علی رغم تشویق های دولت ضعیف عمل می کرد. دولت نقش عمده ای در فعالیتهای R&D در این ماههای اولیه ایفا می کرد. اخیراً شرکتهای داخلی نقش قابل توجهی در تلاش های R&D کشور متقبل شده اند و این امر ناشی از دولایل می باشد: ۱. پاسخ به افزایش رقابت بین المللی و ۲. محیط سیاست حمایتی از فعالیتهای R&D بخش خصوصی. برای مثال در سال۱۹۶۳ بخش خصوصی تنها ۲ درصد از کل هزینه های R&D ملی را برعهده داشت ولی این رقم تا سال ۱۹۹۴ به پیش از ۸۰ درصد افزایش یافته بود، که این رقم یکی از بالاترین ارقام در میان کشورهای پیشرفته و NIEs می باشد.

نرخ رشد R&D در جهان بالاترین می باشد. برای مثال متوسط نرخ رشد سالانه، سرمایه گذاری R&D کوه به ازای تولید ناخالث (GDP) درسالهای ۱۹۹۱-۱۹۸۱ در کره بالاترین می باشد (۲۴/۲ درصد) این در حالی است که در همین دوره نرخ رشد سنگاپور ۲۲/۳ ، تایوان ۱۵/۸ ، اسپانیا ۱۱/۴، و ژاپن ۷/۴ درصد بود. همچنین

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

متوسط نرخ رشد سالانه R&D کسب و کار به ازای GDP درکره در بالاترین حد بوده است (۳۱/۶درصد) ، این در حالی است که این رقم در سنگاپور ۲۳/۸، در تایوان ۱۶/۵، در اسپانیا ۱۴ و در ژاپن۸/۸ درصد بوده است (DisT,19921) .

کره اییها علاوه بر اینکه R&D داخلی خود را تقویت می کردند، شروع به جهانی سازی فعالیتهای R&D خود نیز کردند. برای مثال شرکت الکترونیک LG شبکه ای از آزمایشگاههای تحقیقاتی در توکیو، کالیفرینا،شیکاگو، داشتند، به دنبال فرصتهای برای توسعه همکاریهای استراتژیک (straregic Alliances) باشرکتهای داخلی بودند، و پیشرفته ترین محصولات را از طریق R&D پیشرفته توسعه می دادند. تکنولوژی LG در sunnyvale نقش عمده ای در طراحی جدیدترین کامپیوترهای شخصی، ترمینال ها نمایش (Display terminal) در شیکاگو، بر تلوزیونهای با شفافیت بالا، digital rcr و تجهیزات ارتباطات ار راه دور متمرکز بود. شرکتهای الکترونیک سامسونگ، Daewoo و هیوندایی، به همین ترتیب دیده بانهای (outposts) تحقیق و توسعه داده اند. سامسونگ دیده بانهای R&D در maryland, sanjoese و Boston توکیو، sendai, osakai ذر ژاپن ، لندن، فرانکفورت و مسکو دارد. هیوندایی نیز در sanjoese، فرانکفورت، سنگاپور و چین تایپ دارای دیده بانهایی می باشد.

اما مشارکت شرکتهای چند ملیتی در فعالیتهای R&D در کره حداقل بوده است. تا سال ۲۰۰۰ تنها ۳۹ شرکت چند ملیتی، یا ۱/۴ درصد از کل تعداد شرکتهای چند

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

ملیتی که در کره در بخش تولید فعالیت دارند، مراکز تحقیق و توسعه در کرده ایجاد کرده اند، و کمتر از یک درصد کل تعداد مراکزR&D شرکتها در کره را در اختیار دارند. اغلب این مراکز تحقیق و توسعه ی شرکت های چند ملیتی کوچک هستند و عمدتاً درتطبیق محصولاتشان با نیازهی بازار داخلی درگیر هستند این همان شیوهٔ عمومی شرکتهای چند ملیتی است که در کشورهای در حال توسعه فعالیت دارند.

تلاشهای R&D دولتی

رابعاً بعلاوه دولت سرمایه گذاری زیادی را در توسعه و تعمیق تحقیقات دانشگاهی در مرحله تکنولوژی میانی انجام داده است.از یک طرف، دولت کره و یک شرکت خوداد سه دانشگاه جدید تحقیق محور (research-oriented) بخصوص درعلم و تکنولوژی بنا نهاده اند. از طرف دیگر، دولت قانون ارتقای تحقیقات پایه را در سال ۱۹۸۹ به تصویب رساند، هدف قانون این بود که دانشگاهی بطور قابل توجهی توسعه یافته است. و تقریباً در طی مدت ۸ سال بودجه آن از سال ۱۹۹۰ تا سال ۱۹۹۸ سه برابر شده است، از ۳۴۱/۲ میلیون دلار به ۱/۰۶ میلیارد دلار رسیده است. در طی همین دوره تعداد محققان دانشگاهی بیش از دو برابر شده اند و از ۲۱۳۳۲ ب ۵۱۱۶۲۰ افزایش یافته اند. بعلاوه دولت کرده با الگو گرفتن از تجربه آمریکا در سال ۱۹۸۹ طرحی را برای ایجا مراکز تحقیقات علمی (SRC_s) و مراکز تحقیقات مهندسی (ERC_s) در دانشگاه های مخلی بیشتر و ارائه داد. تعدا SRC_s وERC_s از

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

۱۳ عدد در سال ۱۹۹۰ به ۴۵ عدد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. این مراکز بودجه های تحقیقاتی را از دولت برای ۹ سال دریافت می کنند.

همچنین اطلاعیه ای وجود دارد که به کیفیت تحقیقات دانشگاهی توجه کرده و آنها را حمایت می کند. تعداد انتشارات علمی کره بر طبق اعلام شاخص تقدیر علمی (sci) از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰ به کندی افزایش یافت و تعداد آنها از ۲۷ عدد به ۱۷۱ عدد افزایش یافت، ولی سرعت انتشارات علمی از سال ۱۹۸۸ تا سال ۱۹۹۴ به شدت افزایش یافت و از ۱۲۲۷ به ۳۹۱۰ افزایش یافت و بالاخرخ تا سال ۱۹۸۸ به رتبه ۲۴ در سال ۱۹۹۴ رسیده ودر سال ۱۹۹۹ به رتبه ۱۶ ارتقاء یافت. این رتبه، با توجه به اینکه رتبه کره از نظر تولید ناخالص ملی یازدهم می باشد هنوز درسطح پایینی است یک فرد شاید استدلال کند که کره ممکن است بر اساس sci و به علت مشکل زبان این رتبه را کمتر تخمین زده باشد. این امر لزوماً درست نیست، دلایل تاکید sci در کره این است کره اکثریت دانشمندان و مهندسان کره در خارج آموزش دیده اند . در نتیجه، نوشتن یک مقاله در مقایسه با مجلات sci از نظر کیفیت در سطح پایین تری هستند.

خامساً دولت کره در بسط مؤسسات تحقیقاتی تحت حمایت دولت (GRI_s) از یک عدد به بیش از ۲۰ تا جهت تقویت تحقیقات پایه و بر آوردن نیازهای صنعتی مختلف پیشگام بوده است.

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

GRIs درتقویت قدرت چانه زنی شرکتهای داخلی در کسب روز افزون تکنولوژیهای خارجی پیشرفته نقش مهمی ایفا می کرد. برای مثال وقتی که cirning Glass از انتقال تکنولوژی تولید فیبر نوری به کره در سال ۱۹۷۷ امتناع نمود، دوتولید بعد از ۷ سال R&D کابل های نوری تولید داخل بطور موفقیت آمیزی در مسیری به طول ۳۵ کیلومتر در سال ۱۹۸۳ تست شدند. اگر چه نهایتاً این تلاش داخلی به علت پیشرفت کند در R&D متوقف گردید. ولی این امر به ششرکتهای داخلی کمک کرد تا در اکتساب تکنولوژی خارجی بر اساس شرایط مطلوب قدرت چانه زنی داشته باشد. و در نهایت ۴ شرکت در سال ۱۹۸۴ با شرکتهای چند ملیتی وارد توافقات حق امتیاز شدند (kim.1993)

سادساً دولت دو پروژۀ R&D ملی عمده معرفی کرد: پروژه توسعه تکنولوژی عام صنعتی (IGTDP) و پروژه R&D ملی (NRP) و از GRIs بعنوان رکن پروژه های R&D ملی استفاده کرد. پروژه IGTDP عمدتاً بر حل مسائل فعلی در تکنولوژیهای موجود با اثرات اقتصادی بالا متمرکز شده بود. (اثرات سرریز) در حالیکه پروژه های NRP عمدتاً بر مسائل آتی در تکنولوژیهای جدید باریسک بالای شکست یا با اثرات اقتصادی بالا، متمرکز دارد، بنابراین حمایت دولتی را تعهد می کند.

در نتیجه کره به سرعت از مرحله تکنولوژی بالغ، با استفاده از تقلید مشابه و از طریق مهندسی معکوس، به مرحله تکنولوژی میانی تکامل یافت، در این مرحله به استفاده از تقلید خلاقانه و از طریق انتقال تکنولوژی رسمی استخدام مهندسان و دانشمندان

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مستند وتقویت فعالیتهای R&D ملی، پرداخت. در مرحله تکنولوژی میانی، حقوق مالکیت معنوی هستی برای شرکتهای محلی بسیار با اهیمت گردید.

٤- اسکزامات خطی ومشی

این مقاله یک مدل منسجم بر مبنای چهار چوب مهندسی- مسیر تکنولوژی، پیچیدگی تولید و مقیاس توانایی جذب، و انتقال تکنولوژی- بعنوان ابزاری برای بررسی روابط بین حقوق مالکیت معنوی و توسعه ارائه کرد. این مقاله با استفاده از مدل منسجم، تجربه صنعتی شدن سریع کره جنوبی در طی چهار دهه گذشته و ارتباط حقوق مالکیت معنوی در این فرآیند را تجزیه و تحلیل نمود.

اولین درسی که می توان از تجربه کره آموخت این است که اگر واقعاً هدف حمایت و تقویت حقوق مالکیت معنوی ارتقای توسعه می باشد، سیاست گذاران باید به جدی به تفاوت در سطح توسعه اقتصادی و بخش های صنعتی توجه نمایند. در غیر این صورت رویکرد « یک اندازه برای همه» one si$e fits for all دستور العمل برای ناکامی کشورهای در حال توسعه بخصوص برای کشورهای کمتر توسعه یافته می باشد.

بنابراین کشورهای در حال توسعه باید به همراه هم جهت تغییر روندهای فعلی به سمت یک سیستم استاندارد فعالیت نمایند و همه کشورها دارای سیستم IPR چند جانبه باشند. آنها باید تلاش نمایند بتا بتوانند سیاستهای IPR را در کوتاه مدت مناسب حال خودشان نمایند. همچنین آنها باید توانایی جذبشان را جهت راه حل بلند

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مدت تقویت نمایند. توانایی جذب داخلی کشورهای در حال توسعه را قادر می سازد تا تکنولوژیهای مرتبط موجود در جاهای دیگر را ؟؟ نمایند. قدرت چانه زنی خود را در انتقال تکنولوژی بر اساس شرایط مطلوبتر تقویت نمایند، تکنولوژی منتقل شده را به سرعت جذب نمایند، به طور خلاقانه محصولات جدید تقلیدی حول وحوش حقوق مالکیت معنوی تولید نمایند، و حقوق مالکیت معنوی خود را در حالا توسعه در انباشت توانایی جذب داخلی پیشنهاد می کند. چارچوب توانایی جذب، همانطور که در بخش ۲۰۳ ارائه شد، دارای دو عنصر می باشد: مبنای دانش و میزان تلاش.

اولاً توسعه منابع انسانی مهمترین پایه مبنای دانش می باشد. آموزش یکی از برجسته ترین تلاش های کره در صنعتی سازی بود. چندین کشور در حال توسعه دیگر به سرعت نرخ رشد کره در آموزش ابتدائی رسیده اند. اما آنچه مورد مختصر به فرد در کره توسعه متوازی درتمام سطوح آموزش، که برای حمات از توسعه اقتصادی آن کافی می باشد، بود. اگر آموزش سریعتر از رشد اقتصادی توسعه می یافت این خطر وجود داشت که مسأله بیکاری افراد تحصیل کرده ایجاد می شد. ولی در صورت برنامه ریزی صحیح، ایجاد منابع انسانی آموزش دیده می تواند یک مبنای دانش مهمی برای توسعه اقتصادی متعاقب ایجاد نماید، همچنین baumol و دیگران(۱۹۹۹) استنتاج کردند که کمیت و کیفیت آموزش در یک اقتصاد یکی از عوامل

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مهمی است که تعیین می کند که آیا اقتصاد به سرعت جهت کم کردن شکاف با کشورهای پیشرفته میان بر (catch -up)می زند.

ثانیاً به علت فقدان توانایی تکنولوژیکی شرکتهای کره ای در آغاز به شدت به منابع خارجی دانش متکی بودند. کره ای ها همه روشن های انتقال تکنولوژی که در بخش ۲۰۴ بحث شد را استفاده کردند. مهندسان و تکنیسن های خوب آموزش دیده کره، تکنولوژی وارد شده خارجی را جذب و توانایی هایشان را از طریق مهندسی معکوس انباشت نمودند. اکثریت دانش اساسی یا مهم مورد نیاز جهت حل مسائل فنی در مرحله تکنولوژی بالغ مومجود می باشند حتی امروزه نیز می توانند با هزینهٔ پایین از طریق مکانیزم های غیر رسمی و بدون واسطه بازار بدست آیند.

هر چند امروزه انتقال تکنولوژی باید در طی زمان و همچنانکه صنعتی سازی پیشرفت می کند تکامل یابد. هنگامی که تکنولوژی بالغ و ساده است، شرکتهای داخلی می توانند محصولات خارجی مهندسی معکوس نمایند. هنگامی که تکنولوژی فراتر از توانایی شرکتهای داخلی است و حقوق مالکیت معنوی نیز در آن درگیر است، شرکتها می توانند بر حق لیسانس خارجی اتکا نماید. هر چند آنها می توانند برای جذب تکنولوژی وارد شده در کوتاهترین زمان ممکن تلاش نمایند. هنگامی که تکنولوژی در مرحله میانی می باشد هنوز مالکیت تکنولوژی اهمیت دارد، شرکتهای داخلی بایستی R&D داخل خود را تقویت نمایند تا بتوانند از این طریق قدرت چانه زنی خود را در مذاکرات انتقال تکنولوژی افزایش دهند. تجربه

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

به کره نشان داد که سه عنصر (منابع انسانی آموزش دیده، انتقال تکنولوژی و تلاش های تحقیق و توسعه داخلی) بجای اینکه جانشین یکدیگر شوند مکمل (complementary) یکدیگرند. با وجود منابع انسانی مستعد و توانمند کشور به چالش وا دارد و به نوبهٔ خود، قدرت چانه زنی خود را در مذاکرات انتقال تکنولوژی تقویت نماید.

رابعاً، در بلند مدت فرار مغزها به کشورهای پیشرفته ممکن است منافعی را برای اقتصاد داخلی کشور داشته باشد. فرار مغزها به مهاجر این اجازه را می دهد که تجربه و دانش پیشرفته کسب نمایند. فرار مغزها در دهه ۱۹۶۰ برای کره مشکل جدی محسوب می شد. ولی این دانشمندان و مهندسان کره ای وقتی یک منبع با ارزش از دانش جدید شدند، به کشور برگشتند و یک نقش محوری در توسعه تکنولوژیهای نو ظهور و میانی ایفا نمودند.

خامساً، میزان تلاش (شدت تلاش) پیش نیاز دیگری برای ایجاد توانایی تکنولوژیکی در صنعتی سازی می باشد. ارتقا صادرات اثر بخش ترین ابزار خطی و مشی عمومی است که یک انگیزه رقابتی برای شرکتها در جهت سریع یادگیری تکنولوژیکی ایجاد می نماید. د رتجربه کره، اهرم صادرات شرکتهای کره ای را در حالت « مرگ یا حیات» (Life ir death) قرار داد، لذا آنها بایستی برای بقادر بازار بین المللی بسیار رقابتی تلاش و تفلاص می کردند. در نتیجه، شرکتهای که در زمره صنایع صادرات محور جای داشتند در مقایسه با شرکتهای صنایع جایگزین واردات،

□□

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مجبور بودند که با سرعت بیشتری بیاموزند و سریع تر رشد نمایند. به همین ترتیب صنعتی شدن کشورهای صادرات محود C(!)I)[1]) سریع تر از صنعتی شدن کشورهای متکی بر جایگزینی واردات ISI)[2]) برای مثال، متوسط نرخ رشد اقتصادی سالانه برای کشورهای EOI در دوره های ۱۹۷۳-۱۹۶۳ و ۱۹۸۵-۱۹۷۳ به ترتیب ۹/۵ و ۷/۷ درصد بود، این در حالی است که در همین دوره های متوسط نرخ رشد اقتصادی سالانه برای کشورهای ISI به ترتیب ۴/۱و ۲/۵ درصد بود، به همین دلیل، کشورهای تازه صنعتی شده (NIE_s) متکی برای ISI بودند رشد سریع تری داشتند.

در پایان، کشورهای در حال توسعه پویایی خود، بایستی ارتقای مبنای دانش خود را بوسیله سرمایه گذاری در منابع انسانی خود حفظ نمایند. همین این کشورها میتوانند از تکنولوژیهای موجود در جاهای دیگر نیز استفاده نمایند. به همین ترتیب آنها بایستی بر تلاشهای R&D داخلی سرمایه گذاری نمایند تا بتوانند از طریق تحقیق و توسعه، بر روی تکنولوژیهای وارداتی کار نموده و تکنولوژیهی پیشرفته را در فرآیند صنعتی سازی به چالش بطلبند. فقدان هر کدام احتمالاً آهنگ یادگیری تکنولوژی را کند می کند.

یاد داشت پایانی

---

[1]- Export-oriented industrialization

[2]- import-zubstitution industrialization

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

مهندسی معکوس به فعالیتهای مربوط می شود که به کمک آن عناصر یک شیء از یکدگر جدا می شوند تا به نحوهٔ کارکرد آنهایی بوده شود، این کار برای این است که بتوان آنرا کپی سازی کرد تا آنرا ارتقا داد. مهندسی مهکوس شیروان است که نه تنها در صنایع بالغ تر بلکه در سخت افزار و نرم افزار کامپیوتر نیز استفاده می شود. برای مثال در صنعت خودرو، تولید کننده ممکن است خودروی رقیب را بخرد، ربا بررسی عناصر آن به ارتقای عناصر مشابه خودروی خود بپردازد.

دراین مقاله توانایی تولید (production cqpacity) به کار انداختن و حفظ تولید مربوط می شود. توانایی سرمایه گذاری (investment capacity) به توانایی طراحی و تشکیل کسب و کارها و توسعه های جدید مربوط می شود. توانایی نوآوری به توانایی برای ابلاغ و بهبود محصولات و فرآیندها، مربوط می شود.

www.kandoocn.com

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۵۱۱-۶۶۴۱۲۶۰ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: 1
Subject:
Author: SinaSoft
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/18/2012 11:13:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/18/2012 11:13:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 50
Number of Words: 8,847 (approx.)
Number of Characters: 50,430 (approx.)

www.kandoocn.com
www.kandoocn.com
www.kandoocn.com